روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

پنجشنبه ۱ | اردیبهشت ۱۴۰۴ | سال سی‌وسوم | شماره ۹۳۸۰

سرمایه گذاری برای تولید

■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
از گرفتن نسیه و قرض، خود را برهانید، چون که سبب غم و اندوه شبانه و ذلت و خواری در روز خواهد شد.

■اذان ظهر: ۱۲:۰۱ ■غروب آفتاب: ۱۸:۵۱
■اذان مغرب: ۱۹:۱۰ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۴
■اذان صبح فردا: ۳:۳۸ ■طلوع آفتاب فردا: ۵:۱۱

حافظ
مگر به تیغ اجل خیمه برکنم ورنی
رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: سیدمجتبی صادقی
■معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو

شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور

اقتصاد:
■مدیر: حسین لطفی
■دبیر: مریم موسی‌پور

تماشاگر:
■مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند

سرزمین من:
■مدیر: زهرا عباسی

تندرستی:
■مدیر: عیسی محمدی
■دبیر: مریم سرخوش

سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری

دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی

جامعه:
■مدیر: فهیمه طباطبایی

گزارش:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا

۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی

صفحه آخر:
■دبیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

آموزگاران فراموش نشدنی شهر

ادای دین به چند معلم سرشناس تهران که شهرت مدرسه‌های خاص‌شان، مدیون حضور آنهاست

سیدسروش طباطبایی‌پور

وقتی زنگ اردیبهشت به صدا درمی آید به ۲دلیل باید به احترامش ایستاد؛ اول آنکه در این ماه، باغبان بهار، جوانه‌های طبیعت را به خط می کند و بدون چشمداشت بر لبان‌شان گل لبخند می کارد و به آنها سرود زندگی می آموزاند تا بتوانند خودشان به‌سوی خورشید حرکت کنند. و آفرین دیگر را باید وقتی گفت که سر ساعت ۱۲ اردیبهشت شده باشد؛ یعنی درست همین روزها و به احترام معلم، باغبانی که طبیعت گونه و بدون چشمداشت بذر آگاهی را در دل و جان فرزندان‌مان می پاشد و آن‌قدر می‌ماند تا دانه‌ها جوانه شوند و جوانه‌ها جوان. پس بار دیگر و به احترام معلمان زندگی‌مان باید در این لحظه‌های اردیبهشتی کلاه از سر برداریم و فروتنانه دست‌شان را ببوسیم. به بهانه فرارسیدن روز معلم یادی از چند مدرسه قدیمی و معلمان نازنینش در تهران خواهیم کرد و به جان همه آنان درود خواهیم فرستاد.

مدرسه شهید مطهری

این فضای آموزشی را آجرها و درودیوارش این قدر باشکوه و اثرگذار نکرده‌اند؛ بلکه کادر آموزشی، معلم‌های خلاق و البته دانش‌آموزان پرتلاش دست به دست هم داده‌اند و کاری کرده‌اند کارستان. از سال ۱۳۳۶ گروه فرهنگی دکتر هشترودی سنگ‌بنایش را گذاشتند و پس از انقلاب نامش مدرسه شهید مطهری شد.

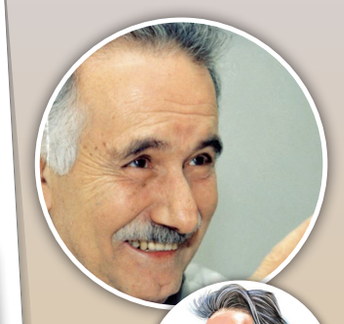

مجتمع آموزشی نواب صفوی

برخی مدارس در جنوب شهر تهران تلاش می کردند با به‌خدمت گرفتن معلمان دلسوز و برنامه‌های آموزشی مناسب، گسست آموزشی پیش آمده را در حوزه آموزش‌وپرورش ایران کم کنند. یکی از این مدارس در منطقه ۱۶ تهران در محله نازی آباد بنا شد. این مدرسه با بیش از ۴۰۰ مترمربع بنای آموزشی در سال ۱۳۵۰ تاسیس شد.

گل آقا / آموزش با لبخند

شاید باورتان نشود، اما کیومرث صابری یا همان گل آقای خودمان قبل از آنکه یک مطبوعاتی طناز باشد و با ستون انتقادی و طنز فاخر «دو کلمه حرف حساب» خود در روزنامه اطلاعات سر زبان‌ها بیفتد، یک معلم خلاق در مدرسه دکتر هشترودی بود. یکی از کارهای شاخص او در حوزه مطبوعات، انتشار هفته‌نامه گل آقا بود؛ هفته‌نامه‌ای که تا سال ۱۳۸۱ به مدت ۱۲ سال منتشر شد.

فریدون عموزاده خلیلی / ترکیب ریاضی و ادبیات

عموزاده عمرش را در حوزه کودک و نوجوان سپری کرده و علاوه بر معلمی در حوزه مطبوعات کودک و نوجوان هم تا دل‌تان بخواهد اثرگذار بوده. می گویند وقتی قرار بود بچه‌ها سر کلاس او تمرین حل کنند، به آنها قول می‌داد که اگر سریع و باکیفیت از پس حل تمرین‌ها بربیایند، در زمان باقیمانده برایشان قصه بخواند. خلاصه ترکیب ریاضی و ادبیات معجونی می‌شد که به بچه‌ها مزه می‌داد.

هفده شهریور

این دبیرستان در سال ۱۳۶۱ در تهران تاسیس شده و در خیابان خاوران است. بنای آن در اواخر دهه ۵۰ شمسی و با کاربری ساختمان بهداری احداث شد و در سال ۱۳۶۱ در قالب مدرسه در اختیار اداره آموزش‌وپرورش قرار گرفت و حالا با فضای آموزشی مناسب پذیرای دانش آموزان است.

گروه فرهنگی هدف

گروه فرهنگی هدف یکی از گروه‌های قدیمی و تهران بود که به همت استاد احمد بیرشک نخستین مدرسه خود را در سال ۱۳۳۰ شمسی تاسیس کرد؛ مدرسه‌ای به نام هدف که هر سال بیش از ۱۰۰۰ نفر دانش‌آموز داشت و پس از انقلاب به مدرسه علامه مجلسی و شهید بهشتی تغییر نام داد. تقی نصیری، احمد بیگی، علی فلاح و مرحوم زین‌العابدین بحری دبیران شاخص هدف در سال‌های دور بودند.

زین‌العابدین بحری / صدایی پرانرژی

زین‌العابدین بحری با تمام وجود ریاضی تدریس می کرد و اگر حین درس‌دادن در کلاسش باز بود، همه دبیرستان صدای پرانرژی‌اش را می‌شنیدند. بحری به ریاضی پایه علاقه‌مند بود و بسیاری از شاگردانش معتقد بودند او تلاش می کرد به‌جای آموزش سطحی ریاضی، توانایی تفکر منطقی را به بچه‌ها بیاموزد. بسیاری از بچه‌های هدف او را بزرگ‌ترین معلم زندگی‌شان می‌دانستند.

عقیل خورشا / استادی که شاگردشناس بود

در رشته ادبیات عرب، دکتری دارد و از ویراستاران دانشنامه‌های ایران، تهران بزرگ و فرهنگ مردم ایران است. علاوه بر تدریس، یکی از کارهای ارزشمندش ترجمه کتاب از زبان فارسی به عربی است؛ مثل رمان «من او» اثر رضا امیرخانی. می گویند او عاشق شاگردانش است و حتی پس از سپری شدن سال‌ها چون پدری دلسوز آنها را فراموش نمی کند.

مدرسه علوی

یکی از نخستین مدارس دینی مدرن، مدرسه علوی تهران بود؛ مدرسه‌ای که به همت علامه کرباسچیان، مجتهدی باتقوا در سال ۱۳۳۵ با یک کلاس ۲۳ نفره در خانه‌ای قدیمی واقع در خیابان ایران راه‌اندازی شد و بعدها با ضمیمه کردن چند خانه در اطراف، دبستان علوی یک متولد شد. تلاش این مدرسه آن بود که سطح علمی مدرسه را به سطح اول کشور ارتقا دهد تا بتواند اهداف دینی خود را که به‌خاطر آن مدرسه را تاسیس کرده بودند، پیاده کند.

استاد روزبه / کارخانه انسان‌سازی

یکی از اثرگذارترین معلمان مدرسه علوی استاد روزبه بود. می گویند او به‌ظاهر نخستین مدیر و معلم فیزیک مدرسه علوی بود؛ اما خودش معتقد بود معلم به‌جای آموزش فیزیک و شیمی و ادبیات، باید انسان تربیت کند و همین تفکر را در مدرسه اشاعه می‌داد.

مدرسه البرز

در سال ۱۳۱۹ شمسی، دولت ایران مرکز مبلغان آمریکایی را که در چهارراه کالج مستقر بودند، خرید و اداره آن را به ایرانی‌ها سپرد و به افتخار رشته کوه البرز که از حیاط مدرسه پیدا بود، نام مدرسه را دبیرستان البرز گذاشتند. البرز از دبیرستان‌های قدیمی و پرآوازه تهران است که در طول یک قرن‌ونیم فعالیت خود فارغ‌التحصیلان وطن‌دوست و بنامی را تحویل کشور داده است.

محمد مجتهدی / احساس رضایت، تنها در مدرسه

به گواه بسیاری از شاگردان البرز، محمد مجتهدی یکی از اثرگذارترین‌ها در مدرسه البرز بوده است. او ۳۴ سال مدیر البرز بود و اگر در طول خدمتش کارهای دولتی را هم می‌پذیرفت، به این شرط بود که در کار اصلی‌اش، یعنی مدیریت دبیرستان البرز، خللی ایجاد نشود؛ چون او از هیچ‌کاری به اندازه مدیریت دبیرستان البرز حس رضایت نداشت.

یادداشت

تهران، شهر رضای اهل‌بیت

علیرضا زمانی

تهران، این شهر دورافتاده از دیار شمس خراسان، نام و نشان و بزرگی امروزش را به رضای اهل‌بیت و خاندانش مدیون است. حمزه برادر شاه خراسان، بعد آمدنش به ایران، کنار احمدبن موسی و از برای دیدار برادر ولیعهد شده، و بعد شهادتش، در گوشه‌ای از خاک ری آرمیدن گرفت. آن زمان ری پرشکوه بود و مزار حمزه‌ابن‌موسی(ع) خارج دروازه باطان ری در باغی قرار داشت. همان دروازه‌ای که ری را به عراق عجم می‌رساند و زمانی دورتر جاده ابریشم از کنارش عبور می‌نمود. حضرت عبدالعظیم هم که مخفیانه به ری آمد و در کوچه سکه الموالی، که حول و حوش محله ظهیرآباد امروزمان می‌شود، رحل اقامت افکند، وصیت نمود کنار برادر شاه خراسان دفنش نمایند؛ زیر درخت سیبی که امروز نشانی از آن دیگر نیست... همان برادر که صفویان او را از اجداد خود برشمرده، به این بهانه شاه طهماسب را زیاد گذر به ری می‌افتاد، همان ری که زیر سم ستوران مغول و یا به‌عبارتی بهتر، از برای نزاع شافعیون و حنبلیون و شیعیان، به ویرانه و شهر ارواحی بدل گردیده بود. رفت‌وآمدهای شاه طهماسب به ری باعث شد تا روستا و بلده تهران بی‌نام و نشان و باغ‌های پررونقش، چشمان او را بگیرد و ۱۰ سال پس از دستور حصارکشی مشهد رضا و سنان آباد سابق، دستور ساخت حصاری پیرامون تهران صادر نماید. همان حصار که به حصار طهماسبی شهره و به سال ۹۶۱ق بنا گردید. این رفت‌وآمدهای شاهانه به بهانه زیارت برادر شاه خراسان یا همان جد بزرگوارش و احداث حصار و ساخت تکیه و حمام و مدرسه خانم به‌دست خواهر محترمش، باعث آن بود تا همای سعادت شهریت بر شانه‌های تهران بنشیند و در عرض ۲۰۰ سال از روستایی کم اهمیت به پایتختی سرزمین ایران ارتقای مقام پیدا کند.

تهران امروز که از لحاظ وسعت حاصل جمع تهران کوچک و ۱۰۸ روستای بلعیده شده اطراف، همراه شهرری تاریخی است، نام و نشان‌های زیادی از امام رضا و خراسانش دارد. بعد آنکه به دوران ناصرالدین‌شاه، حصار طهماسبی شهر ویران و شهر بزرگ‌تر و حصارناصری جای آن را گرفت، یکی از دروازه‌های دوازده‌گانه شهر به خراسان شهره گردید. همان دروازه‌ای که تهرانی‌ها برای راه انداختن مسافرانشان سوی زیارت مشهد رضا، تا اینجا بدرقه‌شان نموده با دود کردن اسپند کاسه آبی پشت پایشان حواله می‌نمودند. همان دروازه‌ای که اطرافش کاروانسراهایی بود برای اتراق کاروانیان عازم مشهد و مسجد رضویه امروز خیابان خراسان به جای یکی از آنها ساخته شده است. همان دروازه که بعد تخریبش به‌دست بلدیه‌چی‌های رضاشاهی میدان خراسان امروز جایش برپا شد و خیابان منتهی به آن خراسان نام یافت تا در فراموشی سنت گذشتگان، نامی از آن دوران در این شهر هویت رنگ باخته برجای بماند... همان خیابان که بعد جاده خاوران به بزرگراه امام رضا وصل و رو به‌سوی خراسان دارد. صاحب عیون اخبارالرضا، جامع‌ترین کتاب از برای تاریخ زندگانی رضا(ع) نیز روزگاری در ری زندگانی به سر می‌برد و در همین دیار دارفانی را وداع گفت و به خاک سپرده شد. همان نویسنده‌ای که به ابن بابویه و شیخ صدوق شناخته می‌شود و سنگ قبرش در زمان فتحعلی شاه قاجار از زیر خاک برون و قبرستان ابن بابویه ری و تهران پیرامونش شکل گرفت.

همان قبرستان که میزبان پیکر بزرگان بسیاری چون جبهه ملی‌های این سرزمین همچون شمشیری‌ها و تختی‌ها و شهدای سی تیر این سرزمین بوده و نسیم شمال‌ها و بانوفخرالدوله‌ها و میرزاده عشقی‌ها و مرشد چلویی‌ها و میرزاابولحسن جلوه‌ها و... در آن آرمیده‌اند. همان قبرستان که دکتر مصدق، قهرمان ملی این سرزمین، وصیت نموده بود در آن به خواب ابدی فرو رود اما در بی‌وفایی حاکمان، غربت احمدآباد نصیبش گردید! علاوه بر اینها، مساجد بی‌شماری در این شهر بودند و هستند که نام و یاد امام رضا را بر خود دارند.

ازجمله این مساجد می‌توان به مسجد کوچک و نقلی مکتب‌الرضای عودلاجان و کوچه تختی‌اش اشاره نمود که زمانی بخشی از عمارت و شاید نمازخانه شخصی خانه میرزاملکم خان بود؛ همان خانه که امروزه به‌دست بنیاد ناجاست و راهی به‌سوی آن نیست. از همه اینها مهم‌تر، تهران میزبان هنرمندان و شاعران بسیاری است که آثارشان، نشان از ارادت خالصانه مردمان این شهر بر شاه خراسان دارد. هنرمندانی چون استاد فرشچیان بزرگ که تابلوی جاودان ضامن آهویش بر جریده این عالم ثبت گردید... و حسان شاعر ساکن خیابان پیروزی که در سفر همراه مادر به مشهدالرضا(ع) این شعر را تا ابد از خود به یادگار باقی گذاشت: آمدم ای شاه پناهم بده/خط امانی ز گناهم بده/ای حرمت ملجأ درماندگان/ دور مران از در و راهم بده/لایق وصل تو که من نیستم / اذن به یک لحظه نگاهم بده.

تهرانگرام

مسجد داماد شاه قاجار

مسجد مجدالدوله از جمله بناهای قدیمی به‌جامانده از دوره قاجار است که به مسجد و مدرسه مجد نیز معروف است و در خیابان امام‌خمینی(ره)، مجاور بیمارستان سینا واقع شده. این بنا طبق کتیبه موجود در ضلع غربی آن، در سال ۱۳۱۰ هجری قمری (۱۲۷۱ هجری شمسی) توسط «مهدی‌قلی‌خان مجدالدوله»، داماد ناصرالدین‌شاه ساخته شده و به نام او نام گرفته است. آنچه موجب رونق و ماندگاری مسجد مجد در طول تاریخ شده است، علاوه بر قداست آن که ملهم از خانه خدا بودن آن است، ریشه در حضور فقها و مجتهدان نام آشنا به‌عنوان امام‌جماعت و مدرس حوزه علمیه و برگزاری کلاس‌های احکام تجارت در آن است و راه‌اندازی مدرسه علمیه مجد نیز دلیل دیگری برای شهرت این مسجد در طول تاریخ است.

تهران نامه

گویش جالب فرحزادی‌ها

روستای فرحزاد در تهران قدیم، در همسایگی شمیران و طبرستان (استان مازندران امروزی) قرار داشت؛ روستایی با امکانات رفاهی برای زندگی و کسب‌وکار که بسیاری ترجیح می‌دادند از روستاهای دور و نزدیک که امکانات رفاهی کمتری داشت به این روستا مهاجرت کنند. در روستای فرحزاد قومیت‌های متفاوتی از شهرهای کشور ساکن بودند. یکی از موارد جالب در روستای فرحزاد قدیم مربوط به لهجه و نوع گویش اهالی است. بنا بر تعریف ساکنان قدیمی، گویش غالب اهالی در روستا لهجه شمیرانی است. در حال حاضر البته این گویش میان اهالی محل هم رو به فراموشی و بسیار کمرنگ است و فقط تعدادی از زن‌ها و مردهای قدیمی و سالخورده به یادگار مانده از زمانی که محله فرحزاد روستا بود می‌توانند به زبان فرحزادی قدیم صحبت کنند.

تهران مصور

بنیسی‌ها؛ بانیان صنعت چاپ در تهران

نام بنیسی‌ها با شکل‌گیری و توسعه صنعت لوازم‌التحریر و فتوکپی در تهران عجین است. بنیس روستایی کوچک در شمال غربی آذربایجان شرقی است. دهه ۲۰ بود که بنیسی‌ها وارد تهران شدند و نخستین گروه از بنیسی‌ها در تهران مشاغل مختلفی مانند شیرینی‌پزی، لبنیاتی، حلواپزی، راحت‌الحلقوم‌پزی و بقالی را تجربه کردند و عده‌ای هم که تحصیلکرده بودند در مناصبی متناسب با رشته تحصیلی‌شان شروع به کار کردند. اما صنعت کپی و چاپ دروازه بزرگ‌تری را به روی آنها گشود تا بیشترین گرایش بنیسی‌ها در انتخاب شغل، مربوط به صنعت فتوکپی و چاپ باشد.

آقای اسودیان با راه‌اندازی چاپخانه‌ای در چهارراه کالج تقریبا جزو نخستین‌هایی بود که چراغ ورود بنیسی‌ها به صنعت تحریر و فتوکپی در تهران را روشن کرد. بنیسی‌ها علاوه بر صنعت چاپ، در شیرینی‌پزی، به‌ویژه پخت کیک و کلوچه هم جزو نخستین‌ها هستند.

> بنیس روستایی کوچک در شمال غربی آذربایجان شرقی است. دهه ۲۰ بود که بنیسی‌ها وارد تهران شدند و نخستین گروه از بنیسی‌ها در تهران مشاغل مختلفی مانند شیرینی‌پزی، لبنیاتی، حلواپزی، راحت‌الحلقوم‌پزی و بقالی را تجربه کردند و عده‌ای هم که تحصیلکرده بودند در مناصبی متناسب با رشته تحصیلی‌شان شروع به کار کردند